

پروتکل شماره ۱۵ و اصلاح نظام اروپایی حقوق بشر

ایوب عبدی *

سید قاسم زمانی **

شناسه دیجیتال اسناد (DOI): 10.22066/cilamag.2017.25166

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۴

چکیده

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، معاهده پیشرو در حوزه حقوق بشر بوده و نقش بسیار مهمی در توسعه و تحول حقوق بین‌الملل بشر داشته است. این کنوانسیون از زمان لازم‌الاجرا شدن در سال ۱۹۵۳ تا کنون تغییرات زیادی به خود دیده است که از جمله مهم‌ترین آن می‌توان به افزایش شمار کشورهای طرف کنوانسیون و همچنین تشکیل اتحادیه اروپا و سایر نهادهای اروپایی اشاره کرد. این تحولات، لزوم تطابق کنوانسیون با نیازها و ضرورت‌های روز را دوجندان می‌کند. بر این اساس، تا کنون پروتکل‌های زیادی به کنوانسیون منضم شده است. یکی از آخرین پروتکل‌های منضم به کنوانسیون، پروتکل شماره ۱۵ است که در مه ۲۰۱۳ پذیرفته شد و در فرایند تصویب قرار دارد و علاوه بر انجام برخی اصلاحات شکلی، اصل فرعیت و دکتترین حاشیه صلاحدید را به مقدمه کنوانسیون اضافه کرده است. در این مقاله، نقش پروتکل شماره ۱۵ در توسعه و تحول نظام اروپایی حقوق بشر و تغییرات شکلی و ماهوی که در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ایجاد کرده است، بررسی می‌شود.

واژگان کلیدی

حاشیه صلاحدید، اصل فرعیت، پروتکل شماره ۱۵، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، دیوان اروپایی حقوق بشر

* نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران
ayoubabdi@yahoo

** عضو هیئت علمی مدعو گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران
drghzamani@gmail.com

مقدمه

با پایان جنگ جهانی دوم که اروپا را به ویرانه‌ای تبدیل کرد و خسارات جانی و مالی فراوانی به جا گذاشت، کشورهای اروپایی، راه‌حل جلوگیری از تکرار چنین فجایی را در احترام به کرامت انسانی و رعایت حقوق بشر دیده و بر آن شدند که سازوکار مناسبی جهت تضمین و رعایت حقوق بشر ایجاد کنند. بر این اساس، شورای اروپا، کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین^۱ را پذیرفت.^۲ از آن زمان تا کنون، اروپا شاهد تحولات زیادی بوده که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به فروپاشی بلوک شرق و پیوستن کشورهای اروپای شرقی، حوزه بالکان و جمهوری‌های شوروی سابق به اتحادیه اروپا اشاره کرد که هم از نظر سرزمینی و هم از نظر جمعیتی، حوزه اجرایی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را بسیار گسترش داده است.^۳ از طرف دیگر، در طول هفت دهه‌ای که از عمر کنوانسیون می‌گذرد، آگاهی افراد نسبت به حقوق و آزادی‌های خود، بیشتر شده و در نتیجه، تعداد مراجعه‌کنندگان به دیوان اروپایی افزایش یافته است. تحول مفهوم حقوق بشر و مصادیق آن نیز می‌تواند دلیل دیگری در خصوص لزوم بازنگری کنوانسیون اروپایی باشد. بر این اساس، تا کنون اصلاحات زیادی در حقوق ماهوی مندرج در کنوانسیون و همچنین سازوکارهای تضمین حقوق مذکور صورت گرفته و پروتکل‌های زیادی به کنوانسیون ضمیمه شده است^۴ که یکی از آخرین آن، پروتکل شماره ۱۵ است.^۵

در کنفرانس‌های اینترلاکن ۲۰۱۰ و/ازمیر ۲۰۱۱ دولت‌های اروپایی به اتفاق تصریح کردند که برای تضمین مؤثرتر حقوق بشر، باید روش نظارت و بازبینی کنوانسیون، تغییر کند. با این حال، تلاش اصلی جهت تصویب پروتکل شماره ۱۵ را بریتانیا و در دوره ریاست این کشور بر شورای اروپا در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ صورت داد. در نتیجه تلاش‌های دولت انگلیس، اعلامیه بریگتون در مه ۲۰۱۲ به اصل فرعی بودن و حاشیه صلاحیت در اصلاح کنوانسیون توجه کرده و ضمن تأکید بر رویه غنی دیوان، از دیوان خواست که در رویه خود، به این اصول، بیشتر اهمیت بدهد.

1. Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms (European Convention on Human Rights: ECHR)

2. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در ۴ نوامبر ۱۹۵۰ در رم امضا و در ۳ سپتامبر ۱۹۵۳ لازم‌الاجرا شد. ن.ک:

Olivier De Schutter, *International Human Rights Law Cases, Materials, Commentary*, Cambridge University Press, 2010, p. 21.

3. چهار کشور از همسایگان ایران (ترکیه، روسیه، آذربایجان و ارمنستان) طرف کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هستند.

4. ن.ک: سیدقاسم زمانی، امیرساعد وکیل و پوریا عسکری؛ نهادها و سازوکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر، شهر دانش، ۱۳۸۶، صص ۳۰-۳۷.

5. پروتکل شماره ۱۶ نیز در ۶ مه ۲۰۱۳ پذیرفته شد. طبق پروتکل مذکور، برای دیوان عالی یا محاکم قانون اساسی دول عضو، این حق به رسمیت شناخته شده که قبل از اتخاذ تصمیم، از دیوان درخواست نظریه مشورتی کنند.

اعلامیه نتیجه می‌گیرد که به‌منظور شفاف و مفهوم کردن اصل فرعیت و دکترین حاشیه صلاحدید، به شکلی که در رویه دیوان تبلور یافته است، بایسته است این دو اصطلاح به مقدمه کنوانسیون اضافه شود. به‌منظور اعمال اصلاحات موردنظر، کمیته، کارشناسان پیش‌نویس اولیه پروتکل را آماده و پس از اعمال اصلاحاتی در تاریخ ۲۶ آوریل ۲۰۱۳ مجمع عمومی شورای اروپا پیش‌نویس پروتکل را تصدیق کرد. در ۱۶ مه همان سال، کمیته وزیران، پروتکل را پذیرفت و از تاریخ ۲۴ ژوئن در استراسبورگ برای امضا مفتوح شد و در همان تاریخ به امضای ارمنستان، آندورا، قبرس، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، ایرلند، ایتالیا، لیختن‌اشتاین، لوکزامبورگ، نروژ، پرتغال، رومانی، سان مارینو، اسلواکی، اسپانیا و بریتانیا رسید.^۶

پروتکل شماره ۱۵ ضمن اعمال برخی اصلاحات شکلی نظیر تعیین سقف سنی برای داوطلبان تصدی شغل قضاوت در دیوان و کاهش مهلت اقامه دعوا، بندی را نیز به مقدمه کنوانسیون، الحاق و اصل فرعیت و حاشیه صلاحدید دولت‌ها را وارد کنوانسیون کرد. این امر، تحول مهمی در کنوانسیون اروپایی محسوب می‌شود. به‌منظور بررسی این تحول، ابتدا اصلاحات شکلی کنوانسیون به‌اختصار بیان، و سپس اصل فرعیت و جایگاه آن در حقوق بین‌الملل بشر تحلیل خواهد شد. در ادامه، مفهوم حاشیه صلاحیت دولت‌ها بررسی و نهایتاً رابطه اصل فرعیت و حاشیه صلاحدید بررسی می‌شود.

۱. اصلاحات شکلی

دیوان اروپایی حقوق بشر به‌عنوان سازوکار قضایی پیشرو در حوزه حقوق بین‌الملل بشر، نهادی است که طبق کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تأسیس شده و با گذشت بیش از هفت دهه از تأسیس آن، اصلاحات متعددی در ساختار و شکل آن صورت گرفته است به‌گونه‌ای که می‌توان گفت بیشتر ۱۵ پروتکلی که به کنوانسیون ضمیمه شده است، به تغییرات و اصلاحات شکلی مربوط می‌شود. از این رهگذر، کشورهای اروپایی به دنبال آن بوده‌اند که دیوان را با تحولات روز هماهنگ کنند تا بتواند معیارهای دادرسی عادلانه را با توجه به تغییرات گسترده‌ای که در اروپا صورت گرفته، برآورده کند. پروتکل شماره ۱۵ هم از این قاعده مستثنا نیست و به‌غیر از ماده ۱ آن که به مقررات ماهوی کنوانسیون مربوط می‌شود، سایر مواد، جنبه شکلی دارد و تغییرات ساختاری محسوب می‌شود.

۶. سوئد، اتریش و گرجستان نیز تا کنون این پروتکل را امضا کرده‌اند. برای لازم‌الاجرا شدن پروتکل باید تمام دول طرف کنوانسیون، رضایت خود را اعلام و از تاریخ آخرین اعلام رضایت، سه ماه گذشته باشد. پروتکل از روز اول ماه بعد از انقضای مهلت فوق، لازم‌الاجرا می‌شود (ماده ۷ پروتکل).

۱-۱. سن قضات دیوان

در متن اولیه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، هیچ‌گونه محدودیت سنی برای داوطلبان تصدی پست قضاوت در دیوان لحاظ نشده بود و بند ۱ ماده ۲۱ که به این موضوع اختصاص دارد، صرفاً معیارهایی مانند دارا بودن خصایل والای اخلاقی، توانایی تصدی مشاغل عالی قضایی یا حقوق‌دان بودن را برشمرده است. با این حال، عدم تعیین حداکثر سن داوطلبان شغل قضاوت، در عمل موجب مشکلاتی شد،^۷ به‌ویژه با لازم‌الاجرا شدن پروتکل شماره ۱۴ که دوره تصدی قضات را از ۶ سال به ۹ سال افزایش داد. برای رفع مشکلات احتمالی، طبق بند ۱ ماده ۲ پروتکل، حداکثر سن داوطلبان تصدی شغل قضا در دیوان، ۶۵ سال تعیین شد. بدین ترتیب، سن داوطلبان در روزی که فهرست داوطلبان توسط مجمع عمومی مطالبه می‌شود، باید کمتر از ۶۵ سال باشد.^۸

هرچند حداکثر سنی برای داوطلبان قضاوت در متن اولیه کنوانسیون در نظر گرفته نشده بود، سن بازنشستگی قضات مشخص بود. بند ۲ ماده ۲۳ کنوانسیون اشعار می‌داشت که دوره تصدی قضات با رسیدن ایشان به سن ۷۰ سالگی خاتمه می‌یابد. با توجه به تعیین سقف سنی برای داوطلبان، بند ۳ ماده ۲ پروتکل، این مقرر را حذف کرد. بنابراین، قضاتی که در سن ۶۵ سالگی وارد دیوان می‌شوند تا پایان دوره ۹ ساله می‌توانند به فعالیت خود ادامه دهند و بازنشستگی قبل از اتمام دوره، منتفی است. هدف از وضع تعیین حداکثر سن برای داوطلبان قضاوت و همچنین حذف سن بازنشستگی این است که قضات بتوانند تا پایان دوره ۹ ساله تصدی خود در مسند قضاوت بمانند و از این طریق، تداوم عضویت قضات در دیوان تقویت شود.^۹

۲-۱. انصراف از صلاحیت به نفع شعبه عالی

در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، فرایند خاصی برای رسیدگی به قابلیت استماع دعوا تعبیه شده و ابتدا موضوع نزد قاضی گزارشگر و سپس کمیته‌ای که به این منظور ایجاد شده، مطرح می‌شود. بسیاری از شکایات مطروحه در این مرحله، غیرقابل پذیرش اعلام می‌شود. اگر کمیته نتواند در خصوص غیرقابل پذیرش بودن دادخواست به اتفاق نظر برسد، موضوع برای رسیدگی به

۷. از جمله مهم‌ترین این مشکلات می‌توان به بازنشستگی اجباری قضات قبل از اتمام دوره اشاره کرد که دیوان را از وجود این قضات محروم می‌کند.

۸. البته بند ۱ ماده ۸ پروتکل، این تغییر حداکثر سن را در مورد داوطلبانی جاری می‌داند که اسامی آن‌ها در فهرست‌های بعد از اجرایی شدن پروتکل قید می‌شود.

۹. Explanatory report Protocol No. 15 Amending the Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, paras. 11-12.

قابلیت استماع و ماهیت دعوا به یکی از شعب دیوان ارجاع می‌شود. در پرونده‌های مهم، شعبه رسیدگی کننده می‌تواند به نفع شعبه عالی از خود سلب صلاحیت کند.^{۱۰}

در ماده ۳۰ کنوانسیون آمده است که اگر دعوی مطروحه نزد شعبه، حاوی موضوع مهمی باشد که تفسیر کنوانسیون یا پروتکل مربوطه را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا با آرای سابق دیوان در تعارض باشد، شعبه می‌تواند تا قبل از صدور حکم، دعوا را به شعبه عالی ارسال کند، مگر اینکه یکی از طرفین دعوا با این موضوع مخالف باشد. ماده ۳ پروتکل، قید ذیل ماده ۳۰ کنوانسیون را حذف کرده است. بنابراین ارجاع دعوا به شعبه عالی توسط شعبه رسیدگی کننده، نیازی به رضایت طرفین ندارد و حتی در صورت مخالفت اطراف دعوا نیز شعبه می‌تواند به نفع شعبه عالی از رسیدگی امتناع کند.^{۱۱} این مقرر، بنا به خواست دیوان به پروتکل اضافه شد. دیوان در نظریه‌اش در سال ۲۰۱۲ خطاب به کنفرانس بریگتون، درخواست کرد که به منظور حفظ یکپارچگی و انسجام رویه قضایی دیوان، حق طرفین دعوا در جلوگیری از تصمیم شعبه، مبنی بر ارجاع دعوا به شعبه عالی سلب شود.^{۱۲} گزارش توجیهی پروتکل نیز هدف از وضع این مقرر را این می‌داند که تصمیم‌گیری در خصوص صلاحیت شعبه عالی به شعبه دیوان محول شود و اراده طرفین، مانع نظر شعبه نشود.^{۱۳} حذف این مقرر با مخالفت چندانی مواجه نشد و حتی نهادهای مردم‌نهاد حقوق بشری نیز با آن موافق بوده و ارجاع دعوا به شعبه عالی را در حمایت مؤثر از حقوق بشر، مؤثر می‌دانند.^{۱۴}

۳-۱. کاهش مهلت اقامه دعوا

طبق بند ۱ ماده ۳۵ کنوانسیون، طرح دعوا نزد دیوان، منوط به طی مراحل داخلی در کشور مربوطه است. به عبارت دیگر، خواهان باید کلیه مراجع صالح را در کشور مربوطه طی کرده باشد و پس از طی این مراحل است که می‌تواند نزد دیوان شکایت کند. مهلت اقامه دعوا نزد دیوان، حداکثر ظرف مدت شش ماه از تاریخ صدور حکم نهایی و قطعی مراجع داخلی تعیین شده بود.

۱۰. ن.ک: زمانی، وکیل و عسکری؛ همان، صص ۶۶-۶۲.

۱۱. بند ۲ ماده ۳ پروتکل، اصلاحات مذکور را در خصوص دعوی جاری قابل اعمال نمی‌داند که یکی از طرفین دعوا قبل از تاریخ لازم‌الاجرا شدن پروتکل، به نظر شعبه، مبنی بر صلاحیت شعبه عالی اعتراض کرده باشد.

12. Opinion of the Court on Draft Protocol no.15 to the European Convention on Human Rights, 6 February 2013, paras. 7-8.

13. Explanatory report, *op. cit.*, paras. 17-19.

14. Joint NGO Statement: "Protocol No. 15 to the Convention for the Protection of Human Rights must not result in weakening of human rights protection", 24 June 2013, para. D, available on: www.hrw.org/news/2013/06/24/council-europe-joint-ngo-statement-protocol-15-echr (last visited February 29, 2016)

«محدودیت زمانی از آن لحاظ در نظر گرفته شده است که قطعیت حقوقی بر احکام مراجع داخلی حاکم شود، چرا که در غیر این صورت، مقامات داخلی همواره باید بیم آن را داشته باشند که تصمیم سابق آن‌ها به چالش کشیده خواهد شد. همچنین این محدودیت به این منظور است که طرح دعوا در زمانی معقول تضمین شود و از طرف دیگر، با وجود این شرط، احتمال نظری شواهد و ادله دعوا که ممکن است با مرور زمان از بین برود افزایش می‌یابد».^{۱۵} این مهلت در زمان تصویب کنوانسیون، مهلت معقول و مناسبی بود ولی با پیشرفت فناوری و تسریع ارتباطات که موجب اطلاع آنی طرفین دعوا از آرا شده، کاهش این مهلت، از اصلاحات پیشنهادی بود که نهایتاً در ماده پروتکل شماره ۱۵ جامه عمل پوشید و این مهلت به چهار ماه کاهش یافت. البته سازمان‌های مردم‌نهاد حقوق بشری نگران بودند که ممکن است کشورها از این مقرر سوءاستفاده کرده و با تعلل در اطلاع‌دادن تصمیم نهایی مراجع داخلی، حق زیان‌دیده را در اقامه دعوا نزد دیوان در مهلت مناسب، مخدوش کنند. همچنین کسانی که در نقاط دورافتاده هستند، افرادی که به فناوری و ارتباطات نوین دسترسی ندارند یا وکلایی که به‌علت عدم تبحر کافی، امکان تمهید دفاع مناسب را ندارند، متضرران اصلی این کاهش مهلت اقامه دعوا هستند.^{۱۶}

۱-۴. قابلیت استماع دعاوی

پاراگراف فرعی بند (ب) ماده ۳۵ کنوانسیون، یکی از موارد غیرقابل استماع بودن دعوا را جایی می‌داند که: «خواهان متحمل ضرر قابل توجهی نشده باشد، مگر آنکه مراعات و احترام حقوق بشر، آن‌چنان که در کنوانسیون و پروتکل‌ها مطرح است مستلزم بررسی دادخواست باشد و مشروط به اینکه هیچ پرونده‌ای که در محاکم داخلی به‌طور مقتضی به آن رسیدگی نشده به این دلیل، غیرقابل پذیرش اعلام نشود».

این مقرر در پروتکل شماره ۱۴ به کنوانسیون اضافه شد و علت آن نیز این است که دیوان بتواند از رسیدگی به پرونده‌هایی که اهمیت چندانی ندارد، اجتناب کرده و وقت خود را صرف رسیدگی به دعاوی مهم کند. البته تشخیص قابل توجه نبودن زیان به عهده خود دیوان گذاشته شده تا به مرور زمان، رویه دیوان، معیارهای عینی و مشخصی را به دست دهد. اعمال این مقرر، مقید به دو شرط است: اولاً، در صورتی که موضوع اصول و اهداف کنوانسیون مطرح باشد و رعایت حقوق بشر ایجاب کند، دیوان ملزم به رسیدگی است و میزان زیان خواهان اهمیت ندارد.

۱۵. زمانی، وکیل و عسکری؛ همان، ص ۱۰۱.

16. Joint NGO Statement, *op. cit.*, para. B.

ثانیاً، اگر در مراجع داخلی به شکایت خواهان رسیدگی نشده، دیوان بدون لحاظ میزان زیان خواهان، ملزم به رسیدگی است. علت شرط دوم این است که هیچ دعوی بدون رسیدگی مقتضی قضایی مختومه نشود.^{۱۷} ماده ۵ پروتکل شماره ۱۵ این شرط دوم را حذف کرده است که موجب ابراز تأسف نهادهای حقوق بشری شد. آن‌ها این شرط را مانع استتکاف قضایی و مقوم حکومت قانون می‌دانند.^{۱۸}

۲. اصلاحات ماهوی

تنها ماده پروتکل شماره ۱۵ که کنوانسیون را به‌طور ماهوی اصلاح می‌کند، ماده ۱ است که مقدمه کنوانسیون را اصلاح و بندی را به انتهای مقدمه کنوانسیون اضافه کرده است: (دولت‌های عضو این کنوانسیون که اعضای شورای اروپا هستند) «با تأکید بر اینکه کشورهای معظم متعهد، طبق اصل فرعیّت مسؤلیت اولیه، تضمین حقوق و آزادی‌های مندرج در کنوانسیون و پروتکل‌های آن را بر عهده دارند و بر این اساس، مشروط به صلاحیت نظارتی دیوان اروپایی حقوق بشر، از حاشیه صلاحید برخوردارند».

الحاق این بند به مقدمه کنوانسیون، پاسخی به مباحثات فراوانی است که از همان ابتدای تأسیس دیوان اروپایی در خصوص نقش و جایگاه اصل فرعیّت و همچنین دکترین حاشیه صلاحید در گرفته بود. استناد به حاشیه صلاحید دولت‌ها و اصل فرعیّت در رویه دیوان به‌وفور یافت می‌شود، درحالی‌که چه در متن و چه در کارهای مقدماتی کنوانسیون، اشاره‌ای به این دو اصطلاح نشده است. در ادامه، ابتدا معنا و مفهوم این دو اصطلاح و سپس رابطه آن دو با یکدیگر بررسی می‌شود.

۲-۱. اصل فرعیّت

اصل فرعیّت^{۱۹} در حقوق اتحادیه اروپا سابقه طولانی دارد و به‌نوعی با ماهیت این اتحادیه عجین شده است. در ماده ۵ معاهده مؤسس اتحادیه اروپا^{۲۰} یا همان معاهده ماستریخت تصریح شده است که «جامعه اروپا در حوزه‌هایی که در صلاحیت انحصاری‌اش قرار ندارد، طبق اصل فرعیّت

۱۷. سادات‌اخوی، سیدعلی؛ «پروتکل شماره ۱۴ و اصلاح نظام نظارتی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷۰، زمستان ۱۳۸۴، صص ۲۲۳-۲۲۲.

18. Joint NGO Statement, *op. cit.*, para. C.

19. Subsidiarity

20. Treaty Establishing European Union

عمل می‌کند...» ماده ۲ نیز بیان می‌دارد: «ضمن رعایت اصل فرعیّت، اهداف اتحادیه باید به‌نحوی که در این معاهده مشخص شده است، تحقق یابد». یکی از نویسندگان، اصل فرعیّت و اصل تکمیلی بودن^{۲۱} را یکی می‌داند.^{۲۲} اصل صلاحیت تکمیلی که در ماده ۱۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مدون شده و همزاد اصل فرعیّت است،^{۲۳} آغاز تحقیقات و تعقیب متهم در سطح بین‌المللی را منوط به این امر می‌داند که دولت مربوطه نتواند یا نخواهد که متهم را محاکمه کند.

در حقوق بین‌الملل بشر، همواره میان رعایت حقوق و آزادی‌های افراد و احترام به تنوع فرهنگی نوع بشر، تنش و چالشی ذاتی وجود دارد. مفاهیم کلاسیک مربوط به لزوم رعایت حاکمیت کشور و احترام به آن، دیگر در این حوزه پاسخگو نیست. در عوض، اصل فرعیّت به مثابه ابزاری برای ایجاد توازن میان کثرت‌گرایی و خیر عمومی در دنیای جهانی‌شده است و در فهم بهتر حقوق بین‌الملل بشر کمک می‌کند. از این‌رو اصل فرعیّت، اصل ساختاری حقوق بین‌الملل بشر تلقی می‌شود.^{۲۴} هدف اصلی اصل فرعیّت، اعطای درجه و میزانی از استقلال و آزادی عمل به مراجع پایین‌تر در مقابل مراجع بالاتر است. از این‌رو اصل مذکور، دربردارنده نوعی تقسیم صلاحیت میان مراجع مختلف است. طبق اصل فرعیّت، تصمیم‌گیری در خصوص اتخاذ اقدامات مناسب برای اجرای حقوق بشر، ابتدائاً بر عهده کشورهاست و مراجع قضایی بین‌المللی نقش ثانوی دارند.^{۲۵}

در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، صریحاً به اصل فرعیّت اشاره نشده است ولی از مواد ۱ و ۱۳ آن،^{۲۶} چنین استنباط می‌شود که نقش دیوان در تضمین و رعایت حقوق بشر، جنبه فرعی و

21. Complementarity

22. Diego Rodríguez-Pinzón and Claudia Martín, The Inter-American Human Rights System: Selected Examples of Its Supervisory Work, in: *Research Handbook on International Human Rights Law*, Edited by Sarah Joseph, Edward Elgar, 2010, p. 356.

23. Federico Fabbrini, "The Constitutionalization of International Law: A Comparative Federal Perspective", *European Journal of Legal Studies*, vol. 6, Issue 2 (Autumn/Winter 2013/14), p. 22.

24. Paolo G. Carozza, "Subsidiarity as a Structural Principle of International Human Rights Law", *American Journal of International Law*, 2003, vol. 97, No.1, p. 38.

25. Francisco Forrest Martin, *International Human Rights and Humanitarian Law: Treaties, Cases and Analysis*, Cambridge University Press, 2006, p. 709.

۲۶. ماده ۱. تعهد به رعایت حقوق بشر: طرف‌های معظم متعاقد به کنوانسیون موظفاند تضمین کنند که افراد ساکن در مناطق تحت حاکمیت خود از حقوق و آزادی‌های تعریف‌شده در بخش اول کنوانسیون حاضر برخوردار شوند.

ماده ۱۳. حق جبران رفع خسارت مؤثر: هر شخصی که حقوق و آزادی‌هایش که در این کنوانسیون آمده است، ضایع شده باشد، حتی اگر تضییع حقوق و آزادی‌های مذکور توسط افرادی با ظرفیت رسمی صورت گرفته باشد، از حق جبران خسارت مؤثر در مقابل مقامات ملی برخوردار است.

ثانویه داشته و تابع نقش دولت‌هاست.^{۲۷} به عبارت دیگر، تضمین و رعایت حقوق بشر در مرحله اول بر عهده دولت‌هاست و دیوان، مرجع تجدیدنظر و فرجام نسبت به تصمیمات و اقدامات مراجع داخلی تلقی نمی‌شود، بلکه صرفاً آن‌ها را بازبینی می‌کند. بنابراین دیوان در رعایت حقوق مندرج در کنوانسیون، نقش ثانوی و فرعی دارد.^{۲۸} با پذیرش منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا^{۲۹} در دسامبر ۲۰۰۰، اصل فرعی برای اولین بار وارد ادبیات رسمی حقوق بشر شد. مقدمه منشور یادشده، اصل فرعی را پذیرفته^{۳۰} و در ماده ۵۱ نیز نهادها و مراجع اتحادیه به رعایت اصل مذکور فراخوانده شده‌اند.

در اجرای این فراخوان، اصل فرعی به دو شیوه در رویه دیوان دادگستری اروپا منعکس شده است. دیوان مذکور به هنگام اتخاذ تصمیم در خصوص حقوق بنیادین، یکی از منابع حقوق اتحادیه را سنن حقوق اساسی کشورهای عضو می‌داند و در استخراج اصول کلی حاکم بر حقوق بنیادین از آن مدد می‌گیرد. البته این سنت‌ها، تنها از متن قانون اساسی کشورهای عضو نشأت نمی‌گیرد، بلکه معاهدات بین‌المللی را که دول عضو اتحادیه به آن پیوسته‌اند، میراث مشترک و ارزش‌های عمومی را هم شامل می‌شود. دومین مورد کاربرد اصل فرعی در رویه دیوان دادگستری اروپا، به هنگام اعمال بازبینی قضایی اعمال دول عضو توسط دیوان است. در این مواقع که دیوان، اجرای حقوق بنیادین در دول عضو را بازنگری می‌کند، برای نهادهای داخلی تا حدودی آزادی عمل قائل است و به تصمیمات آن‌ها احترام می‌گذارد.^{۳۱} در حقوق اتحادیه اروپا برای اعمال اصل فرعی، دو معیار لازم است: اول اینکه ثابت شود که اهداف مورد انتظار از طریق دول عضو به‌طور کافی قابل تحقق نباشد (معیار عدم کفایت داخلی) و دوم اینکه اهداف مورد انتظار به دلیل آثار و نتایجی که دارد، در سطح اتحادیه، بهتر قابل تحقق باشد (معیار کفایت فراملی).^{۳۲}

27. Tümay, Mura, "The Margin of appreciation Doctrine Developed by the Case Law of the European Court of Human Rights", *Ankara Law Review*, 2008, vol. 5, No. 2, p. 203.

28. H. Petzold, "The Convention and the Principle of Subsidiarity", in R. St. J. Macdonald, F. Matscher and H. Petzold (eds.), *The European System for the Protection of Human Rights*, Dordrecht/Boston/London: Martinus Nijhoff, 1993, p. 41.

29. Charter of Fundamental Rights of the European Union

30. This Charter reaffirms, with due regard for the powers and tasks of the Community and the Union and the principle of subsidiarity, the rights as they result, in particular, from the constitutional traditions and international obligations common to the Member States, the Treaty on European Union, the Community Treaties, the European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, the Social Charters adopted by the Community and by the Council of Europe and the case-law of the Court of Justice of the European Communities and of the European Court of Human Rights.

31. Paolo G. Carozza, *op. cit.*, pp. 54-55.

32. Federico Fabbrini, "The Principle of Subsidiarity", in: Robert Schutze and Takis Tridimas (eds.), *The Oxford Principles of European Union Law*, Oxford University Press, 2015.

دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در رأی معروف *هندی ساید* تصریح می‌کند که محال است دیوان جایگزین محاکم ملی و داخلی شود، بلکه نظام حمایتی کنوانسیون، فرع بر سازوکارهای داخلی بوده و نسبت به آن‌ها جنبه فرعی و ثانوی دارد. وظیفه اولیه حمایت و حفاظت از حقوق مندرج در کنوانسیون بر عهده مراجع داخلی است و نهادهای ایجادشده توسط کنوانسیون، تنها در صورتی وارد عمل می‌شوند که کلیه مراحل داخلی احقاق حق، طی شده باشد. دیوان اشعار می‌دارد که وظیفه اصلی‌اش، بازنگری تصمیمات مراجع داخلی است؛ تصمیماتی که مراجع مذکور بر اساس اختیارات و صلاحیت‌های خود اتخاذ کرده‌اند.^{۳۳} دیوان، مقامات دولتی را در اتخاذ اقدامات مناسب جهت اجرای حقوق مصرح در کنوانسیون، آزاد تلقی کرده و بازبینی اقدامات دولت‌ها را فقط شامل انطباق تصمیمات مذکور با اهداف و مفاد کنوانسیون می‌داند.^{۳۴}

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که اصل فرعییت به‌عنوان اصل ساختاری در حوزه حقوق بین‌الملل بشر به رسمیت شناخته شده است. طبق اصل مذکور، دولت‌ها در اجرا و رعایت حقوق بشر در حوزه اقتدار خود دارای صلاحیت اولیه و اصلی بوده و صلاحیت مراجع قضایی بین‌المللی جنبه فرعی و ثانوی دارد. بدین لحاظ، مراجع قضایی بین‌المللی هنگام تصمیم‌گیری در خصوص ادعای نقض حقوق بشر باید به صلاحیت اولیه و اصلی دولت‌ها احترام گذاشته و همواره توجه داشته باشند که تضمین و اجرای حقوق بشر، ابتدائاً وظیفه دولت‌هاست.

۲-۲. حاشیه صلاحدید

الف. تاریخچه حاشیه صلاحدید

از همان ابتدای اجرایی‌شدن کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، سازوکارهای اجرایی کنوانسیون، به حاشیه صلاحدید استناد کردند. برای اولین بار در سال ۱۹۵۸ در *دعوی یونان علیه بریتانیا* به حاشیه صلاحدید اشاره شد. دعوا راجع به شکایت یونان از انگلیس به‌خاطر نحوه اداره قبرس بود. انگلیس در دفاع از عملکرد خود به ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر استناد کرد که به دولت‌ها اجازه می‌دهد در شرایط اضطراری ملی از کنوانسیون عدول کنند. بنابر سازوکار جاری در آن دوره زمانی،^{۳۵} شکایت ابتدا نزد کمیسیون اروپایی حقوق بشر طرح می‌شد و در صورتی که کمیسیون موضوع را قابل‌پذیرش می‌دانست، دعوا برای رسیدگی به دیوان اروپایی حقوق بشر

33. *Handy Side v. United Kingdom*, European Court of Human Rights, paras. 48-50.

34. *Belgian Linguistic Case*, European Court of Human Rights, para. 10.

35. برای اطلاع از سازوکارهای قبلی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ن.ک: حسینقلی حسینی‌نژاد؛ «نگاهی به دادگاه اروپایی حقوق بشر»، *مجله حقوقی*، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۷۷، صص ۱۴۸-۱۴۵.

ارجاع می‌شد. کمیسیون در گزارش یافته‌های خود به دیوان اظهار داشت: «دولت در ارزیابی آنچه اوضاع و احوال دعوا اقتضا می‌کند، باید بتواند برخی اقدامات صلاح‌دیدگی^{۳۶} اتخاذ کند».^{۳۷} با توجه به حل و فصل سیاسی موضوع، دیوان فرصت پیدا نکرد نظر کمیسیون را بررسی کند.^{۳۸}

دیوان اروپایی حقوق بشر برای اولین بار در دعوی لالس علیه ایرلند به‌طور ضمنی به حاشیه صلاح‌دید پرداخت. خواهان مدعی بود که ایرلند با استفاده نادرست از بازداشت پیشگیرانه،^{۳۹} مواد ۵ و ۶ کنوانسیون را نقض کرده است. دولت ایرلند در پاسخ، با استناد به ماده ۱۵ کنوانسیون اظهار داشت که بازداشت پیشگیرانه، عکس‌العمل ضروری در قبال اعمال تروریستی ارتش جمهوری خواه ایرلند بوده است. رئیس وقت کمیسیون، سرهامفری والدوک به نمایندگی از کمیسیون، نزد دیوان حاضر شد و اظهار کرد که: «ماده ۱۵ باید با توجه به موضوع خاصی که دارد، بررسی شود و آن عبارت است از مسئولیت‌های دولت در قبال حفظ نظم و قانون در زمان جنگ یا هرگونه شرایط اضطراری تهدیدکننده حیات ملت. حاشیه صلاح‌دید بدین معناست که ایفای این مسئولیت‌ها توسط دولت در اصل به موضوع حساس تشخیص معیارهای ایجاد توازن میان ملاحظات متعارض مربوط به منافع عمومی بستگی دارد و از این‌رو کمیسیون یا دیوان متقاعد می‌شود که تشخیص دولت در محدوده اختیاراتی است که ماده ۱۵ به وی داده است...».^{۴۰} دیوان بدون هیچ‌گونه اشاره صریحی به حاشیه صلاح‌دید، تصمیم ایرلند را در خصوص استفاده از بازداشت پیشگیرانه به‌منظور کنترل خشونت‌های ارتش جمهوری خواه ایرلند تصدیق کرد و دولت ایرلند حاشیه صلاح‌دید وسیعی یافت.^{۴۱} بعد از این دعوا در چند پرونده دیگر در دیوان نیز به‌طور ضمنی به حاشیه صلاح‌دید استناد شد که از جمله می‌توان به دعوی مربوط به برخی جنبه‌های قوانین بلژیک در خصوص استفاده از زبان در آموزش،^{۴۲} قضیه ومبوف^{۴۳} و همچنین رأی دلکورت^{۴۴} اشاره کرد.

دیوان اروپایی حقوق بشر برای اولین بار در دعوی دِ ویلده، اومس و وریپ علیه بلژیک

36. Measure of discretion

37. *Greece v. United Kingdom*, 1958-1959 Yearbook of European Commission on Human Rights, p. 176.

38. Howard Charles Yourow, *The Margin of Appreciation Doctrine in the Dynamics of European Human Rights Jurisprudence*, Martinus Nijhoff, The Hague, 1996, p. 16.

39. Preventive detention

40. Howard Charles Yourow, *op. cit.*, p. 17.

41. *Lawless v. Ireland*, European Court of Human Rights, paras. 54-62.

42. *Belgian Linguistic Case*

43. *Womboff Case*

44. *Delcourt Case*

به‌طور صریح به حاشیه صلاحدید استناد کرد. دعوا در خصوص بازرسی مکاتبات کسانی بود که به جرم ولگردی زندانی شده بودند. دیوان اظهار داشت که: «مراجع صالح بلژیک در دعوی حاضر از حدود قدرت صلاحدید^{۴۵} که بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون به کشورهای متعاقد داده است، تخطی نکرده‌اند: درمورد افرادی که به‌خاطر ولگردی بازداشت شده‌اند، مراجع مذکور برای اعمال محدودیت بر زندانیان به‌منظور پیشگیری از جرم و بی‌نظمی، حفظ سلامت و اخلاق و حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران، ادله کافی داشته‌اند».^{۴۶}

دیوان نهایتاً در قضیه معروف هندی *ساید* به‌طور مفصل به حاشیه صلاحدید پرداخت و رأی خود را بر مبنای آن استوار کرد. دعوا مربوط به ممنوعیت یک کتاب در انگلیس به‌خاطر درج مطالب غیراخلاقی بود. دیوان در رأی خود، یازده بار اصطلاح حاشیه صلاحدید را به کار برد و برای اولین بار زوایای آن را روشن کرد. دیوان در بند ۴۷ رأی، اشعار می‌دارد که باید مطمئن شود که محاکم داخلی انگلیس به‌طور منطقی، با حسن نیت و در چارچوب حاشیه صلاحدید که بند ۲ ماده ۱۰ به دولت‌ها اعطا کرده، عمل کرده‌اند^{۴۷} و نتیجه می‌گیرد که بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون به دولت‌ها حاشیه صلاحدید می‌دهد. این حاشیه، هم به مراجع تقنینی داخلی و هم به سایر مراجع، ازجمله مراجع قضایی که قانون را تفسیر و اجرا می‌کنند داده می‌شود.^{۴۸} از آن زمان تا کنون، استناد به حاشیه صلاحدید در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر به‌طور تصاعدی رو به فزونی نهاده و در اکثر آرای دیوان به آن استناد می‌شود، به‌گونه‌ای که *دین اسپیلمان* رئیس کنونی دیوان در سخنرانی‌اش در سال ۲۰۱۴، از تعداد دقیق آن‌ها اظهار بی‌اطلاعی کرد.^{۴۹}

ب. مفهوم حاشیه صلاحدید

لازم به ذکر است اصطلاح حاشیه صلاحدید در متن کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به کار نرفته و بررسی کارهای مقدماتی کنوانسیون نیز نشان می‌دهد که تهیه‌کنندگان متن کنوانسیون، هیچ اشاره‌ای به اصلاح مذکور نکرده‌اند،^{۵۰} ولی استناد مکرر دیوان اروپایی حقوق بشر به حاشیه صلاحدید، آن را به بخشی ناگسستنی از رویه دیوان تبدیل کرده است. باین‌حال، تعریف

45. Power of appreciations

46. *De Wilde, Ooms and Veryp Judgment, (Vagrancy Case)*, European Court of Human Rights, para. 93.

47. *Handyside v. UK, European Court of Human Rights*, para. 47.

48. *Ibid.*, para. 49.

49. Dean Spielmann, "Whither the Margin of Appreciation?" *UCL Current Legal Problems (CLP) Lecture*, 2014, p. 11. Available at: www.coe.int/Document/Speech-20140320-London-ENG.pdf (last visited February 29, 2016).

50. Howard Charles Yourow, *op. cit.*, p. 5.

مشخص و معینی از اصلاح مذکور در رویه دیوان به چشم نمی‌خورد و دیوان هرگز نظریه عام و کلی در خصوص حاشیه صلاحدید ارائه نکرده است. وقایع و اوضاع و احوال هر قضیه، نقش بسیار مهمی در مشخص کردن معنای دقیق حاشیه صلاحدید دارد. تأمل در خصوص نقص عناصر و اجزای اصلی هر پرونده و تلاش برای تشخیص اهمیت و ارزش هریک از آن اجزا، نقشی کلیدی در درک مفهوم حاشیه صلاحدید دارد. نظر به عدم تعریف حاشیه صلاحدید در آرای دیوان اروپایی حقوق بشر، مفسران و نویسندگان حقوقی کوشیده‌اند تعریفی جامع و مانع از این اصطلاح به دست دهند.

یکی از صاحب‌نظران، حاشیه صلاحدید را نوعی آزادی عمل می‌داند که ارگان‌های واقع در *استراسبورگ* به مراجع قضایی، اجرایی و تقنینی داخلی دول اروپایی اعطا می‌کنند و دولت‌ها در این محدوده، مختار و مجاز به اتخاذ اقدامات صلاحدید خود بوده و در صورت رعایت این محدوده، ناقض کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیستند.^{۵۱} مک دونالد حاشیه صلاحدید را دکترینی می‌داند که دیوان اروپایی حقوق بشر برای تفسیر برخی مقررات کنوانسیون از آن استفاده می‌کند و عموماً به معنای صلاحدید است که به مراجع داخلی در اجرای تعهداتی که طبق کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر عهده دارند، اعطا می‌شود و آن را تا حدودی شبیه معیار بازنگری^{۵۲} می‌داند.^{۵۳}

گریر، حاشیه صلاحدید را فضای مانوری می‌داند که نهادهای اروپایی به مراجع داخلی می‌دهند و در این فضا مقامات داخلی در اجرای تعهدات حقوق بشری خود طبق کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، آزادی عمل دارند.^{۵۴} محقق دیگری، حاشیه صلاحدید را به معنای فضای تنفس و مجالی می‌داند که مراجع بین‌المللی به نهادهای داخلی اعطا می‌کنند.^{۵۵} نویسنده‌ای دیگر، حاشیه صلاحدید را تمکین و احترامی^{۵۶} می‌داند که نهادهای اروپایی برای تصمیمات و اقدامات مراجع قضایی، اجرایی و تقنینی داخلی قائل هستند.^{۵۷} در تعریف دیگر، حاشیه صلاحدید، صلاحدید تلقی شده که مراجع نظارتی بین‌المللی به دولت‌ها جهت اجرا و تفسیر قواعد حقوقی

51. *Ibid.*, p. 13.

52. Standard of Review

53. R. St. J. Macdonald, *op. cit.*, p. 84.

54. Steven Greer, *The Margin of Appreciation: Interpretation and Discretion under the European Convention of Human Rights*, Council of Europe Publishing, Human Rights files No. 17, 2000, p. 5.

55. Lookwood, Finn & Jubisky, "Working Paper for Committee of Experts on Limitation Provisions", 7 *Human Rights Quarterly*, 1984, p. 35.

56. Deference

57. Howard Charles Yourow, *op. cit.*, p. 118.

می‌دهند.^{۵۸} بنونیستی حاشیه صلاحدید را آزادی عملی می‌داند که هر جامعه در حل تعارض میان حقوق فرد و منافع جامعه داراست.^{۵۹}

تعاریف ذکرشده، در این نکته مشترک هستند که حاشیه صلاحدید، فضا و مجالی است که در آن‌ها دولت‌ها قانوناً آزادی عمل و انتخاب دارند و می‌توانند بر اساس صلاحدید خود، تعهدات حقوق بشریشان را اجرا و اعمال کنند. موارد استفاده و کاربرد حاشیه صلاحدید در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و قابل پیش‌بینی نیست که دیوان، استدلال دولت خواننده را در داشتن حاشیه صلاحدید در چه مواردی مسموع می‌داند و در چه مواردی استماع نمی‌کند. تعاریف ذکرشده در بند قبل نشان می‌دهد که در خصوص موارد کاربرد حاشیه صلاحدید، تردید وجود دارد. برخی تعاریف به اجرای کنوانسیون اشاره دارند. برخی دیگر به حل تعارض میان حقوق افراد و منافع جامعه و برخی دیگر به قدرت انتخاب دولت‌ها در اجرای تعهدات بین‌المللی خود تصریح دارند. لذا برای تبیین دقیق مفهوم حاشیه صلاحدید، لازم است موارد مختلف کاربرد آن بررسی و تحلیل شود.

ج. کاربردهای حاشیه صلاحدید

کاربردهای چندگانه‌ای برای حاشیه صلاحدید عنوان شده است. نویسنده‌ای میان تعریف ماهوی^{۶۰} حاشیه صلاحدید و تعریف ساختاری^{۶۱} آن تمایز قائل شده^{۶۲} و دیگری، کاربرد حاشیه صلاحدید در اجرای قاعده^{۶۳} را از استفاده از آن در تعریف قاعده^{۶۴} تفکیک می‌کند و این دو را به‌علاوه استفاده از حاشیه صلاحدید در انتخاب روش اجرای قاعده،^{۶۵} مهم‌ترین کاربردهای آن می‌داند.^{۶۶}

استفاده از حاشیه صلاحدید در تعریف قواعد حقوق بشری که همان کاربرد ماهوی مورد نظر لتساس است، به رابطه میان آزادی‌های فردی و اهداف جمعی می‌پردازد و در نتیجه، مفهوم و گستره حق‌های بشری تحت تأثیر قرار می‌گیرد.^{۶۷} به عبارت دیگر، دولت‌ها برای حفظ منافع

58. W. M. Wong, "The Sunday Times Case: Freedom of Expression versus English Contempt-of-Court Law in the European Court of Human Rights", (1984), 17 *N.Y.U. J. Int'l L. & Pol.*, p. 58.

59. Benvenisti, Eyal, "Margin of Appreciation, Consensus, and Universal Standards", *Journal of International Law and Politics*, vol. 31, No. 4, 1999, p. 327.

60. Substantive Concept

61. Structural Concept

62. Letsas, George, *A Theory of Interpretation of the European Convention of Human Right*, Oxford University Press, 2007, pp. 80- 98.

63. Norm Application

64. Norm Definition

65. Choice of Means

66. Jan Kratochvil, "The Inflation of the Margin of Appreciation by the European Court of Human Rights", *Netherlands Quarterly of Human Rights*, vol. 29/3, 2011, pp. 327-335.

67. *Ibid.*, p. 328.

عمومی و مصلحت جامعه می‌توانند طبق قانون، اقداماتی اتخاذ کنند و اگر این اقدامات با حقوق و آزادی‌های اساسی افراد در تعارض باشد، دولت، متجاوز به حقوق افراد شمرده نمی‌شود. در کاربرد ماهوی حاشیه صلاحدید، دولت علی‌رغم دخالت در حقوق و آزادی‌هایی که افراد طبق معاهدات حقوق بشری دارند، به نقض حقوق بشر محکوم نمی‌شود.^{۶۸} کاربرد ماهوی به‌عنوان کاربرد اصلی و هسته مرکزی حاشیه صلاحدید محسوب می‌شود. رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر نیز عموماً به این نوع کاربرد اختصاص دارد. از جمله آرای قدیمی می‌توان به قضیه هندی ساید و ولگردی اشاره کرد. در قضیه هندی ساید، دیوان، اقدام دولت بریتانیا در ممنوعیت چاپ کتاب مورد نزاع را نقض آزادی بیان ندانست زیرا اقدام مذکور در راستای حفظ منافع جامعه بوده و با هدف مشروع حفظ اصول اخلاقی در میان نوجوانان اتخاذ شده است.^{۶۹} در قضیه ولگردی نیز، دیوان اقدامات بلژیک را که در راستای منافع عمومی بود، نقض حقوق زندانیان تلقی نکرد: «مراجع صالح بلژیک در دعوای حاضر از حدود قدرت صلاحدید تخطی نکرده‌اند: در مورد افرادی که به‌خاطر ولگردی بازداشت شده‌اند، مراجع مذکور برای اعمال محدودیت بر زندانیان به‌منظور پیشگیری از جرم و بی‌نظمی، حفظ سلامت و اخلاق و حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران، ادله کافی داشته‌اند».^{۷۰}

مطلق نبودن حق‌های بشری و پذیرش محدودیت‌هایی بر آن‌ها نظیر حفظ نظم عمومی، رعایت اصول اخلاقی، پیشگیری از جرم، حفظ سلامت و حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران، نقشی اساسی در کاربرد ماهوی حاشیه صلاحدید دارد و آن را به‌عنوان ابزار تعادل میان حقوق بشر و مصالح جامعه معرفی می‌کند.^{۷۱} این کاربرد حاشیه صلاحدید، نقش و جایگاه حق‌های بشری را در فضا و گستره‌ای وسیع‌تر نشان می‌دهد و رابطه آن‌ها را با مفاهیمی مانند عدالت، مشروعیت، سیاست، حاکمیت، اخلاق و دموکراسی تبیین می‌کند.^{۷۲}

بدین ترتیب، کاربرد ماهوی حاشیه صلاحدید را می‌توان در ایجاد تعادل و توازن میان حق و مصلحت، فرد و جامعه، و حقوق بشر و حاکمیت خلاصه کرد. آزادی‌های افراد و حقوق بنیادین بشر مطلق نبوده و محدودیت‌هایی دارد. اگر این محدودیت‌ها درست تبیین و در اعمال آن دقت شود، موجب تعادل میان حقوق بشر و منافع جامعه می‌شود. دیوان اروپایی حقوق بشر با ممارستی

68. Letsas, George, *op. cit.*, pp. 85-86.

69. *Handyside v. UK*, European Court of Human Rights, para. 52

70. De Wilde, Ooms and Versyp Judgment, (Vagrancy Case), European Court of Human Rights, para. 93.

71. Letsas, George, *op. cit.*, p. 87.

72. *Ibid.*, p. 91.

درخور تحسین و طی چند دهه، معیارها و ملاک‌های دقیقی برای ایجاد تعادل میان حق و مصلحت تدارک دیده است.

کاربرد دوم حاشیه صلاحدید در اجرای قواعد حقوق بشری جنبه شکلی و ساختاری دارد و به جایگاه مراجع قضایی بین‌المللی و رابطه آن‌ها با نهادهای ملی مربوط می‌شود. امروزه بسیاری از محققین، نظام اروپایی حقوق بشر را نظام فوق ملی می‌دانند^{۷۳} و مراجع قضایی داخلی برخی کشورهای اروپایی نیز این امر را تصدیق کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، محاکم لوکز/امبروگ، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و پروتکل‌های آن را مستقیماً در نظم حقوقی لوکز/امبروگ قابل اجرا می‌دانند.^{۷۴} حاشیه صلاحدید به‌عنوان یکی از ویژگی‌های بارز نظام قضایی فراملی تلقی می‌شود که به‌منظور ایجاد تعادل و توازن میان حاکمیت کشورهای طرف کنوانسیون و حمایت قاطع از حقوق مندرج در کنوانسیون طراحی شده است.^{۷۵} «حاشیه صلاحدید، «محصول طبیعی» توزیع اختیارات میان نهادهای کنوانسیون اروپایی و مراجع ملی است و بدین‌وسیله، مسئولیت اجرای کنوانسیون میان آن‌ها تقسیم شده است. مسئولیت اولیه متوجه کشورهای عضو است، ولی این دیوان است که حرف نهایی را می‌زند».^{۷۶} دیوان اروپایی حقوق بشر در رویه خود به این موضوع اذعان دارد که مقامات ملی در ارزیابی وقایع دعوای مطروحه از موقعیت بهتری نسبت به دیوان برخوردارند و به همین جهت برای تصمیمات آن‌ها احترام قائل است. «... مراجع داخلی به دلیل تماس مستقیم و مداومشان با نیروهای حیاتی کشور خود، اصولاً در موقعیت بهتری نسبت به قاضی بین‌المللی قرار دارند تا در خصوص این الزامات اظهارنظر کنند...».^{۷۷} بررسی رویه دیوان اروپایی حقوق بشر نشان می‌دهد که دیوان در دو صورت، مراجع داخلی را در موقعیت بهتری می‌پندارد و به تصمیمات آن‌ها احترام می‌گذارد:^{۷۸}

- احراز/اجماع: در صورتی که میان دولت‌های اروپایی در خصوص موضوع دعوای مطروحه، اجماعی وجود نداشته باشد، دیوان مراجع داخلی را در موقعیت بهتری می‌بیند تا در خصوص موضوع اتخاذ تصمیم کنند و برای تصمیم آن‌ها احترام زیادی قائل است. این نوع حاشیه صلاحدید به‌طور گسترده در آزادی‌های فردی به‌ویژه آزادی بیان، مذهب،

73. Giuseppe Martinico, Oreste Pollicino, *The National Judicial Treatment of the ECHR and EU Laws: A Comparative Constitutional Perspective*, Europa Law Publishing, 2010, pp. 83-84.

74. *Ibid.*, pp. 303-314.

75. Helfer L., Slaughter A. M., "Toward a Theory of Effective Supranational Adjudication", 107 *Yale Law Journal*, 1997, pp. 316-317.

76. Eva Berms, "The Margin of Appreciation Doctrine in the Case-Law of the European Court of Human Rights", *Heidelberg Journal of International Law*, vol. 56, 1993, p. 304.

77. *Handyside v. UK*, European Court of Human Rights, para. 48.

78. Letsas, George, *op. cit.*, p. 92.

حریم خصوصی و تشکیل اجتماعات و به هنگام تعارض آن‌ها با اخلاقیات به کار می‌رود. در این مواقع، دولت‌ها از حاشیه صلاحدید وسیعی برخوردارند.

- *احراز وضعیت‌های اضطراری*: دسته دیگری از دعاوی که در آن دیوان، احترام خاصی برای تصمیمات و اقدامات مراجع داخلی قائل است و آن را در وضعیت بهتری می‌داند، موضوعات بسیار حساس سیاسی و امنیتی است که برای دولت خوانده اهمیت فراوانی دارد. مستند دیوان برای اعطای چنین حاشیه صلاحدید وسیعی، ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است.^{۷۹} دیوان در اولین آرای خود به حاشیه صلاحدید دولت‌ها در چنین مواقعی اذعان کرده است: «... مراجع داخلی به دلیل تماس مستقیم و مداومشان با نیروهای حیاتی کشور خود، اصولاً در موقعیت بهتری نسبت به قاضی بین‌المللی قرار دارند تا هم در خصوص وجود وضعیت اضطراری و هم در مورد ماهیت و گستره تخطیاتی که برای اجتناب از وضعیت مذکور ضروری است، اتخاذ تصمیم کنند. بند ۱ ماده ۱۵ در این زمینه، حاشیه صلاحدید وسیعی به مقامات می‌دهد».^{۸۰}

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که اکثر نویسندگان، دو نوع استفاده و کاربرد برای حاشیه صلاحدید برمی‌شمرند: کاربرد اول، احترامی است که دیوان اروپایی حقوق بشر برای تصمیمات مراجع ملی در اجرای قواعد حقوق بشری قائل است، ولی کاربرد دوم حاشیه صلاحدید، تعریف حق‌های بشری و در نتیجه، حدود و ثغور تعهدات دولت‌ها در این زمینه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۲-۳. نقش پروتکل شماره ۱۵ در تبیین رابطه اصل فرعی و حاشیه صلاحدید

همان‌طور که ذکر شد، اصل فرعی به دنبال توزیع و تقسیم اختیارات میان مراجع و نهادهای اتحادیه اروپا و کشورهای عضو اتحادیه است. حاشیه صلاحدید نیز در چارچوب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و رابطه دیوان اروپایی و مراجع داخلی کشورهای عضو، کارکرد مشابهی دارد و به دنبال آن است که میان صلاحیت‌های دیوان و اختیارات دولت‌ها توازن و تعادل برقرار کند. از این منظر، هم اصل فرعی و هم حاشیه صلاحدید، روشی‌هایی است که نحوه تعامل و ارتباط میان مراجع بین‌المللی و ملی را مشخص می‌کند.

علی‌رغم این تشابهات، اصل فرعی در حوزه اتحادیه اروپا بیشتر ناظر به تقسیم اختیارات

^{۷۹}. طبق بند ۱ ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: «در زمان جنگ یا سایر حالت‌های فوق‌العاده عمومی تهدیدکننده جان آحاد ملت، هریک از کشورهای معظم متعهد کنوانسیون می‌توانند تا زمانی که شرایط فوق‌العاده وجود دارد، اقداماتی انجام دهند که ناقض تعهدات کشور مذکور از کنوانسیون باشد و این اقدامات نباید مغایر با سایر تعهدات کشور مذکور از نظر قوانین بین‌المللی مربوطه باشد».

^{۸۰}. *Ireland v. United Kingdom*, European Court of Human Rights, para. 207.

تقنینی است. در تأیید این نظر، بخش دوم بند ۳ ماده ۵ معاهده مؤسس اتحادیه اروپا اعلام می‌دارد که «نهادهای اتحادیه باید اصل فرعیات را به‌نحوی که در پروتکل مربوط به اصول فرعیات و تناسب آمده است اجرا کنند. مجالس ملی طبق فرایند مندرج در پروتکل مذکور، رعایت اصل فرعیات را تضمین می‌کنند». ماده ۴ پروتکل ۱۹۹۷ منضم به معاهده تأسیس اتحادیه اروپا در خصوص اجرای اصل فرعیات، اشعار می‌دارد که اصل مذکور به‌عنوان راهنمایی جهت نحوه توزیع اختیارات در سطح اتحادیه عمل می‌کند. فرعیات، یک مفهوم پویاست و باید در پرتو اهداف معاهده مؤسس اتحادیه اجرا شود. از این رو اصل مذکور معمولاً در جهت تقویت صلاحیت‌های تقنینی اتحادیه به خدمت گرفته می‌شود؛ درحالی‌که حاشیه صلاحدید، کاربرد قضایی دارد و وسیله‌ای محسوب می‌شود که دیوان اروپایی حقوق بشر از طریق آن، بین صلاحیت‌های خود و اختیارات مراجع ملی توازن ایجاد می‌کند. مضاف بر این، برعکس اصل فرعیات که برای توسیع صلاحیت‌های نهادهای فراملی به کار می‌رود، حاشیه صلاحدید، نهادهای قضایی بین‌المللی را وادار می‌کند به تشخیص و صلاحدید مراجع محلی و داخلی احترام بگذارند.

در واقع، حاشیه صلاحدید، یکی از جلوه‌های اصل فرعیات^{۸۱} و جنبه نهادین و سازمان‌یافته اصل مذکور در حوزه تقسیم اختیارات میان مراجع قضایی بین‌المللی و ملی است.^{۸۲} این دقیقاً همان «مفهوم ساختاری» حاشیه صلاحدید است که *لتساس* آن را در کنار «مفهوم ماهوی»، دو مفهوم حاشیه صلاحدید می‌داند.^{۸۳} از این جهت است که برخی نویسندگان معتقدند که اصل فرعیات، دلیل اصلی توسعه و تحول حاشیه صلاحدید در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر بوده است،^{۸۴} درحالی‌که در کنوانسیون یا در کارهای مقدماتی آن، به چنین مفهومی اشاره نشده است. همین ارتباط تنگاتنگ و نزدیک دو مفهوم مذکور، موجبات تدوین پروتکل شماره ۱۵ را فراهم کرد. پیشینه و زمینه تدوین پروتکل مذکور، مباحثات صورت‌گرفته در بریتانیا در خصوص تأثیر آرای دیوان اروپایی حقوق بشر بر نظام حقوقی انگلیس بود. این مباحثات به دنبال صدور رأی دیوان اروپایی در قضیه *هیرست*، شدت گرفت. شعبه عالی دیوان در رأی خود در قضیه مذکور در سال ۲۰۰۵ محروم کردن جنایتکاران^{۸۵} از حق رأی‌دادن و شرکت در انتخابات را نقض کنوانسیون اروپایی حقوق بشر محسوب و بریتانیا را محکوم کرد.^{۸۶} دولت بریتانیا برای جلوگیری

81. Paolo G. Carozza, *op. cit.*, p. 69.

82. J. A. Sweeney, "Margins of Appreciation: Cultural Relativity and the European Court of Human Rights in the Post-Cold War Era", *International and Comparative Law Quarterly*, 2005, p. 474.

83. Letsas, George, *op. cit.*, p. 93.

84. Janneke Gerards, Pluralism, "Deference and the Margin of Appreciation Doctrine", *European Law Journal*, vol. 17, No. 1, January 2011, p. 104.

85. Felons

86. *Hirst v. UK*, European Court of Human Rights, paras. 14-19.

از چنین رویه‌ای پیشنهاد کرد ماده ۳۵ کنوانسیون در خصوص معیارهای قابلیت استماع دعوا بدین شکل اصلاح شود که در صورت شباهت ماهوی خواسته خواهان با موضوعی که قبلاً در محاکم داخلی رسیدگی شده است، دیوان، حکم به غیرقابل استماع بودن خواسته خواهان دهد. در ۱۹ و ۲۰ آوریل ۲۰۱۲ به منظور بررسی پیشنهاد بریتانیا، کنفرانس وزیران در بریتون در خصوص آینده کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تشکیل شد. در این کنفرانس، پیشنهاد بریتانیا پذیرفته نشد ولی دولت‌های اروپایی برای اولین بار از زمان تصویب کنوانسیون تصمیم گرفتند مقدمه آن را اصلاح کنند. پروتکل در تحولی مهم، عبارت ذیل را به عنوان بند آخر به مقدمه کنوانسیون الحاق می‌کند: «تصدیق می‌نماید که دول معظم متعاهد طبق اصل فرعی، مسئولیت اولیه تضمین حقوق و آزادی‌های مندرج در کنوانسیون و پروتکل‌های آن را بر عهده دارند و در این صورت، تحت صلاحیت نظارتی دیوان اروپایی حقوق بشر که به موجب این کنوانسیون تأسیس شده است، از حاشیه صلاحیت برخوردارند».^{۸۷}

دیوان اروپایی حقوق بشر در حاشیه‌ای که بر متن پیش‌نویس پروتکل می‌نویسد، ضمن اشاره به گزارش توضیحی کمیته وزیران و اعلام اینکه اصلاحیه مذکور، منطبق با رویه دیوان است، نقش دیوان در بازنگری تصمیمات مراجع داخلی را یادآور می‌شود که در ذیل بند اصلاحی به آن تصریح شده است. با این حال، دیوان متذکر می‌شود که علی‌رغم آنکه ترجیح می‌دهد متن پیشرفته‌تری در خصوص اصلاحات مذکور تهیه شود، از این امر آگاه است که متن حاضر، نتیجه توافق نهایی کشورها و اجماع آن‌ها در خصوص کل متن پروتکل است.^{۸۸}

دین اسپیلمان، رئیس کنونی دیوان اروپایی حقوق بشر، ضمن ابراز خرسندی از این تحول بزرگ و با ارجاع به ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در زمینه حقوق معاهدات که مقدمه معاهده را در تفسیر متن مؤثر می‌داند، اظهار می‌دارد: درست است که این بند مقدمه، اصل فرعی را وارد کنوانسیون کرده، ولی سال‌هاست که دیوان اروپایی حقوق بشر، با این مفهوم آشنا بوده و به آن استناد می‌کند. این تحول، تنها راه ممکن برای کاستن از فشارهای وارد بر نظام حقوقی اروپاست که هم بر اساس طراحی اولیه و هم با توجه به ضرورت‌های عملی نسبت به نظام‌های ملی، جنبه

87. Protocol No. 15 amending the Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, Article 1.

87“Affirming that the High Contracting Parties, in accordance with the principle of subsidiarity, have the primary responsibility to secure the rights and freedoms defined in this Convention and the Protocols thereto, and that in doing so they enjoy a margin of appreciation, subject to the supervisory jurisdiction of the European Court of Human Rights established by this Convention,”

88. Opinion of the ECtHR on Draft Protocol No. 15, adopted on 6 February 2013, p. 2, available at: http://www.echr.coe.int/Documents/2013_Protocol_15_Court_Opinion_ENG.pdf, (last visited February 29, 2016).

فرعی و ثانوی دارد.^{۸۹} یکی دیگر از قضات دیوان، تصریح به اصل فرعییت در مقدمه پروتکل شماره ۱۵ را انگیزه و دلگرمی مهمی برای دیوان جهت توسعه و تحول آتی اصل اصیل فرعییت می‌داند. وی پا را فراتر نهاده و مدعی است که عصر نوینی در حیات دیوان / استراسبورگ که وی آن را «دوران اصل فرعییت» می‌نامد، آغاز شده است.^{۹۰}

نتیجه

بعد از اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، قدیمی‌ترین سند مهم حقوق بشری است که متعاقب جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل پذیرفته شد. این کنوانسیون با گذشت بیش از هفتاد سال از تصویب آن، یک سند به‌روز در حوزه حقوق بشر بوده و نقش بسیار مهمی در توسعه و تحول حقوق بین‌الملل بشر دارد و این امر، مرهون پروتکل‌هایی است که به کنوانسیون منضم شده و امروزه شمار آن‌ها از ۱۵ عدد گذشته است. پروتکل شماره ۱۵ الحاقی به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که در سال ۲۰۱۳ پذیرفته شد و در فرایند تصویب قرار دارد، اصلاحات مهمی، هم از نظر شکلی و هم از نظر ماهیتی در کنوانسیون و نهاد قضایی ناظر بر آن، یعنی دیوان اروپایی حقوق بشر، به عمل آورده است.

پروتکل شماره ۱۵ با اعمال برخی اصلاحات شکلی نظیر تعیین سقف سنی برای داوطلبان تصدی شغل قضاوت در دیوان، کاهش مهلت اقامه دعوا و اصلاح شرایط استماع دعاوی، سعی دارد که دیوان را کارآمد و چابک، و فرایند رسیدگی به دعاوی را به‌روزرسانی کند. اما اصلاح مهم‌تر، بندی است که به مقدمه کنوانسیون الحاق شده و اصل فرعییت و حاشیه صلاحیت دولت‌ها را وارد کنوانسیون کرده است. این امر، تحول مهمی در کنوانسیون اروپایی و همچنین حقوق بین‌الملل بشر محسوب می‌شود و درج رسمی آن‌ها در متن کنوانسیون، مهر تأییدی بر معنا و مفهومی است که رویه دیوان به این مفاهیم داده است. به‌واقع، دیوان اروپایی حقوق بشر با توسل به اصل فرعییت و حاشیه صلاحیت دولت‌ها سعی دارد میان حقوق و آزادی‌های فردی از یک سو و مصالح جامعه و منافع جمعی از سوی دیگر، توازنی منطقی ایجاد کند. با اصلاحات ماهوی که پروتکل شماره ۱۵ در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به عمل آورده، این کنوانسیون، اولین سند حقوق بشری محسوب می‌شود که معیارهای مشخص و روشنی برای دخالت دولت‌ها در تحدید و تعلیق حقوق به دست داده و آزادی عمل دولت‌ها را در این‌گونه موارد، به نظم کشیده

89. Speech by Mr. Dean Spielmann: "Allowing the Right Margin: The European Court of Human Rights and the National Margin of Appreciation Doctrine: Waver or Subsidiarity of European Review?" *Max Plank Institute for Comparative Public and International Law*, Heidelberg, 13 December 2013, p. 8.

90. Robert Spano, "Universality or Diversity of Human Rights?: Strasbourg in the Age of Subsidiarity", *Human Rights Law Review* 2014; 14 (3): pp. 5-6; doi: 10.1093/hrlr/ngu021.

است.

ماده ۱ پروتکل، اصل فرعیت و حاشیه صلاحدید را در کنار هم به کار برده است و این امر گویای رابطه نزدیک آنهاست. طبق اصل فرعیت، مسئولیت اولیه و اصلی رعایت حقوق بشر بر عهده دولت‌هاست و مراجع قضایی و شبه‌قضایی بین‌المللی نقش فرعی و ثانوی دارند. در نتیجه، دولت‌ها با توجه به نقش اصلی که در رعایت حقوق بشر دارند، برای ایجاد توازن میان حقوق فردی و منافع جامعه، آزادی عمل داشته و دارای حاشیه صلاحدید هستند. البته آزادی عمل دولت‌ها مطلق نبوده و دیوان اروپایی حقوق بشر بر عملکرد دولت‌ها و تصمیمات صلاحدیدیی آنها و تطابق آن با کنوانسیون، نظارت می‌کند.

هرچند هنوز پروتکل شماره ۱۵ لازم‌الاجرا نشده،^{۹۱} به نظر می‌رسد لازم‌الاجرا شدن آن با مانع و تأخیر زیادی مواجه نشود زیرا اولاً، اکثر اصلاحات موردنظر پروتکل، جنبه شکلی دارد، مانند تعیین حداکثر سن قضاوت دیوان یا کاهش مهلت اعتراض به تصمیمات مراجع داخلی نزد دیوان از شش ماه به چهار ماه. ثانیاً، اصلاح ماهوی مهم، همان الحاق اصل فرعیت و حاشیه صلاحدید به مقدمه کنوانسیون است که به دلایل زیر با مخالفت کشورها مواجه نخواهد شد: نخست آنکه این تغییر، صرفاً در مقدمه کنوانسیون رخ می‌دهد و از این نظر، حساسیت کمتری را برمی‌انگیزد. دلیل مهم‌تر این است که هر دو مفهوم الحاقی به مقدمه، سابقه طولانی در حقوق بشر داشته و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر نیز وجود این مفاهیم را تأیید کرده است. باین‌حال، همان گونه که دیوان هم در اظهارنظر خود در مورد پروتکل عنوان کرده است، انتظار این بود که پروتکل شماره ۱۵ با جزئیات بیشتری، به حاشیه صلاحدید و اصل فرعیت می‌پرداخت و حدود و ثغور آن را مشخص می‌کرد. البته این عدم تصریح به‌منزله پذیرش رویکرد دیوان در این خصوص است؛ رویه‌ای که از سال ۱۹۵۸ در دیوان پدیدار شد و در سال ۲۰۱۳ دولت‌ها آن را تصدیق کردند.

91. See updated data on the status of ratification of Protocol No. 15, available at: <http://conventions.coe.int/Treaty/Commun/ChercheSig.asp?NT=213&CM=^&DF=15/01/2015&CL=ENG>.

منابع:

الف) فارسی

- کتاب

- زمانی، سیدقاسم، امیرساعد و کیل و پوریا عسکری؛ نهادها و سازوکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر، شهر دانش، ۱۳۸۶.

- مقاله

- سادات‌اخوی، سیدعلی؛ «پروتکل شماره ۱۴ و اصلاح نظام نظارتی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷۰، زمستان ۱۳۸۴.

ب) انگلیسی

- Books

- Diego Rodríguez-Pinzón and Claudia Martin, "The Inter-American Human Rights System: Selected Examples of Its Supervisory Work", in: *Research Handbook on International Human Rights Law*, Edited by Sarah Joseph, Edward Elgar, 2010.
- Francisco Forrest Martin, *International Human Rights and Humanitarian Law: Treaties, Cases and Analysis*, Cambridge University Press, 2006.
- G. Martinico and O. Pollicino, *The National Judicial Treatment of the ECHR and EU Laws, A Comparative Constitutional Perspective*, Europa Law Publishing, 2010.
- H. Petzold, "The Convention and the Principle of Subsidiarity", in R. St. J. Macdonald, F. Matscher and H. Petzold (eds.), *The European System for the Protection of Human Rights* (Dordrecht/Boston/London: Martinus Nijhoff, 1993).
- Howard Charles Yourow, *The Margin of Appreciation Doctrine in the Dynamics of European Human Rights Jurisprudence*, Martinus Nijhoff. The Hague, 1996.
- Letsas, George, *A Theory of Interpretation of the European Convention of Human Right*, Oxford University Press, 2007.

- Articles

- Benvenisti, Eyal, "Margin of Appreciation, Consensus, and Universal Standards", *Journal of International Law and Politics*, vol. 31, No. 4, 1999.
- Eva Berms, "The Margin of Appreciation Doctrine in the Case-Law of the European Court of Human Rights", (1996) *Heidelberg Journal of*

International Law, 56, 1993.

- Federico Fabbrini, "The Constitutionalization of International Law: A Comparative Federal Perspective", *European Journal of Legal Studies*, vol. 6, Issue 2.
- Helfer L., Slaughter A. M., "Toward a Theory of Effective Supranational Adjudication", *107 Yale Law Journal*, 1997.
- Howard Charles Yourow, "The Margin of Appreciation Doctrine in the Dynamics of European Human Rights Jurisprudence", *Connecticut Journal of International Law*, vol. 3, 1987,
- J. A. Sweeney, "Margins of Appreciation: Cultural Relativity and the European Court of Human Rights in the Post-Cold War Era", *International and Comparative Law Quarterly*, vol. 54, Issue 2, 2005.
- Jan Kratochvíl, "The Inflation of the Margin of Appreciation by the European Court of Human Rights", *Netherlands Quarterly of Human Rights*, vol. 3/29, 2011.
- Janneke Gerards, "Pluralism, Deference and the Margin of Appreciation Doctrine", *European Law Journal*, vol. 17, No. 1, January 2011.
- Lookwood, Finn & Jubisky, "Working Paper for Committee of Experts on Limitation Provisions", *7 HumanRights Quarterly*, 1984.
- Paolo G. Carozza, "Subsidiarity as a Structural Principle of International Human Rights Law", *American Journal of International Law*, 2003, vol. 97, No.1.
- Robert Spano, "Universality or Diversity of Human Rights? Strasburg in the Age of Subsidiarity", *HumanRights Law Review*, vol.4, Issue 3, 2014.
- Spielmann Dean, "Whither the Margin of Appreciation?" *UCL Current Legal Problems (CLP) Lecture*, 2014, p. 11, available at: www.coe.int/Document/Speech-20140320-London-ENG.pdf (last visited February. 29, 2016).
- Spielmann Dean, "Allowing the Right Margin: The European Court of Human Rights and the National Margin of Appreciation Doctrine: Waver or Subsidiarity of European Review?" *Max Plank Institute for Comparative Public and International Law*, Heidelberg, 13 December 2013.
- Steven Greer, *The Margin of Appreciation: Interpretation and Discretion under the European Convention of Human Rights*, Council of Europe Publishing, Human Rights Files, No. 17, 2000.
- Tümay, Mura, "The Margin of Appreciation Doctrine Developed by the Case Law of the European Court of Human Rights", *Ankara Law Review*, 2008, vol. 5 No. 2.

- Documents

- Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental

Freedoms (European Convention on Human Rights: ECHR)

- Protocol No. 15 Amending the Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms.
- Explanatory Report Protocol No. 15 Amending the Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms.
- Opinion of the Court on Draft Protocol No. 15 to the European Convention on Human Rights, 6 February 2013.
- Joint NGO Statement: “Protocol No. 15 to the Convention for the Protection of Human Rights Must Not Result in Weakening of Human Rights Protection”, 24 June 2013.
- Charter of Fundamental Rights of the European Union.